بازگشت قاعده اشتغال به استصحاب

حال الآن عبارت «لا یقبل شیء من الفرائض الا بالیقین» را ببینید. این چیزی که شارع برای فرائض آورده غیر از لبّ استصحاب است یا نه؟ ممکن است بگویید قاعده اشتغال است؛ اشتغال یقینی است و شما میخواهید امتثال کنید. اشتغال یقینی چه چیز یقینی میخواهد؟ برائت یقینی میخواهد. سؤال: آیا قاعده اشتغال غیر از استصحاب است؟ ما الآن میگوییم برائت و احتیاط و اشتغال. لبّ قاعده اشتغال چیزی غیر از استصحاب هست یا نه؟ به این فکر کنید. اگر هست برای من هم بفرمایید. اشتغال خودش یک صغرای استصحاب است. اما در یک مورد خاص برجسته میشود و توضیح داده میشود. و الا شما یقین به تنجز تکلیف دارید، شک دارید که این تکلیف رفت یا نرفت. با این امتثال من انجام شد یا نشد؟ این خودش عین استصحاب است. یعنی وقتی یقین دارید باید تا جایی بروید که یقین دوم بیاید که الآن ذمه شما بود.

شاگرد: برائت هم همینطور است؟

استاد: برائت به یک معنا میتواند. اگر بگوییم «کل شیء مطلق»، این سابقهای دارد. یا بیان سابقه عدم ازلی، یا بیانی غیر از صرف اعدام ازلیه. چون یک تفصیلی از اعدام ازلی در ذهنم بود. شاید هم درجایی که آقا فرمودند بیان شده باشد. دو جور عدم ازلی بود.

علی ای حال آن چه که از استصحاب مطلوب است و جوهره استصحاب است، در مقامات مختلف شارع یکی از شئون آن را برجسته میکند. بهخاطر آن غرضی که دارد.

بازبینی #1
ایجاد شده 7 ژوئن 2026 13:27:31 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 ژوئن 2026 13:27:59 توسط ... .